

به نام خدا

تعامل نظام آموزشی با شخصیت رفتاری دانش آموزان

مؤلفان :

لیلا نوروزوند حور

زهرا شادبهر

افسانه فروغی زاد

ابوذر بابائی ریک

نسرین محب

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه: نوروزوند حور، لیلا، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآورندگان: تعامل نظام آموزشی با شخصیت رفتاری دانش آموزان/ مولفان لیلا نوروزوند حور
، زهرا شادبهر، افسانه فروغی زاد، ابوذر بابائی ریک، نسرين محب
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری: ۱۰۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۹۳-۶
شناسه افزوده: شادبهر، زهرا، ۱۳۸۰
شناسه افزوده: فروغی زاد، افسانه، ۱۳۵۶
شناسه افزوده: بابائی ریک، ابوذر، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: محب، نسرين، ۱۳۵۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: تعامل نظام آموزشی - شخصیت رفتاری - دانش آموزان
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۳۷۶۱۵۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تعامل نظام آموزشی با شخصیت رفتاری دانش آموزان
مولفان: لیلا نوروزوند حور - زهرا شادبهر - افسانه فروغی زاد - ابوذر بابائی ریک - نسرين محب
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایي، تنظيم و طرح جلد: محدثه فرهنگد
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۲۹۳-۶
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
فصل اول : مبانی نظری شخصیت و رفتار دانش آموز در محیط آموزشی.....	۱۱
مفهوم شخصیت در روان‌شناسی تربیتی و ابعاد آن در دانش‌آموزان.....	۱۵
نظریه‌های اصلی رشد شخصیت در سنین مدرسه.....	۱۸
عوامل زیستی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری رفتار دانش‌آموز.....	۲۱
نقش مدرسه به عنوان نهاد جامعه‌پذیری در شکل‌دهی شخصیت.....	۲۴
فصل دوم : ساختار و کارکردهای نظام آموزشی در شکل‌دهی رفتار.....	۲۹
اهداف و فلسفه‌های نظام آموزشی و تأثیر آن بر تربیت رفتاری.....	۳۲
برنامه درسی رسمی و پنهان و نقش آن در شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌ها.....	۳۴
ساختارهای انضباطی و قوانین مدرسه و اثر آن بر رفتار دانش‌آموزان.....	۳۸
تأثیر فضای فیزیکی و فرهنگی مدرسه بر الگوهای رفتاری.....	۴۶
فصل سوم:.....	۵۱
نقش معلم و فرآیند تدریس در تحول شخصیت رفتاری.....	۵۱
سبک‌های تدریس و مدیریت کلاس و تأثیر آن بر رفتار دانش‌آموزان.....	۵۴
رابطه معلم و دانش‌آموز و شکل‌گیری اعتماد و انگیزش.....	۵۸
هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی معلم در هدایت رفتار.....	۶۰
الگوسازی رفتاری معلمان و تأثیر آن بر شکل‌گیری شخصیت.....	۶۵
فصل چهارم : تعاملات اجتماعی در مدرسه و تأثیر آن بر شخصیت.....	۶۹
نقش گروه همسالان در شکل‌گیری هویت و رفتار اجتماعی دانش‌آموز.....	۷۲
رقابت، همکاری و یادگیری اجتماعی در محیط مدرسه.....	۷۵

۷۷.....	پدیده‌های رفتاری در مدرسه (پرخاشگری، قلدری، انزوا و سازگاری اجتماعی)
۷۹.....	نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه در توسعه مهارت‌های شخصیتی
۸۳... فصل پنجم :	راهبردهای تربیتی برای تقویت شخصیت رفتاری در نظام آموزشی
۸۵.....	رویکردهای نوین تربیتی در پرورش شخصیت و رفتار دانش‌آموزان
۸۸.....	کاربرد آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس
۹۰.....	همکاری مدرسه، خانواده و جامعه در تربیت رفتاری
۹۶.....	الگوهای اصلاح و بهبود نظام آموزشی برای پرورش شخصیت متعادل
۱۰۰.....	نتیجه گیری
۱۰۳.....	منابع

پیشگفتار

نظام آموزشی هر جامعه، صرفاً نهادی برای انتقال دانش و مهارت‌های شناختی نیست، بلکه بستری بنیادین برای شکل‌گیری شخصیت رفتاری، نگرش‌ها و الگوهای تعامل اجتماعی نسل آینده به‌شمار می‌آید. مدرسه، به‌عنوان نخستین نهاد رسمی جامعه‌پذیری پس از خانواده، نقشی تعیین‌کننده در جهت‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند؛ نقشی که آثار آن تا بزرگسالی و حتی در ساختارهای فرهنگی و اقتصادی جامعه تداوم می‌یابد. شخصیت رفتاری دانش‌آموزان محصول تعامل پیچیده‌ای میان ویژگی‌های فردی، تجربه‌های زیستی، روابط خانوادگی و ساختارهای آموزشی است. در این میان، نظام آموزشی با اجزایی چون برنامه درسی، شیوه‌های ارزشیابی، روابط معلم و دانش‌آموز، قوانین انضباطی و فضای روانی مدرسه، می‌تواند یا زمینه‌ساز رشد متعادل، خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری شود، یا ناخواسته به بازتولید رفتارهای منفعلانه، اضطراب‌محور و ناسازگار منجر گردد.

کتاب حاضر با هدف بررسی علمی و تحلیلی تعامل دوسویه میان نظام آموزشی و شخصیت رفتاری دانش‌آموزان تدوین شده است. در این اثر تلاش شده است تا با تکیه بر نظریه‌های معتبر روان‌شناسی تربیتی، جامعه‌شناسی آموزش و یافته‌های پژوهشی معاصر، تأثیر ساختارها و رویه‌های آموزشی بر شکل‌گیری رفتار دانش‌آموزان به‌صورت نظام‌مند واکاوی شود. همچنین، نقش عوامل انسانی همچون معلم، گروه همسالان و خانواده در بستر نظام آموزشی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. از ویژگی‌های این کتاب، رویکرد تلفیقی آن است؛ به‌گونه‌ای که ضمن پرداختن به مبانی نظری، به جنبه‌های کاربردی و راهبردی نیز توجه شده و پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد نظام آموزشی در جهت پرورش شخصیت رفتاری سالم ارائه می‌شود. مخاطبان اصلی این اثر شامل دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، معلمان، مدیران مدارس، پژوهشگران آموزشی و سیاست‌گذاران حوزه تعلیم و تربیت هستند.

امید است این کتاب بتواند گامی هرچند کوچک در جهت ارتقای کیفیت نظام آموزشی و پرورش نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از سلامت رفتاری بردارد و زمینه‌ای برای تأمل، گفت‌وگو و اصلاح در سیاست‌ها و رویه‌های آموزشی فراهم آورد.

مقدمه

نظام آموزشی هر جامعه، در ظاهر بیش از هر چیز با انتقال مفاهیم درسی، مهارت‌های شناختی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر شناخته می‌شود؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، آنچه این نظام را به نهادی تعیین‌کننده در سرنوشت فردی و جمعی انسان‌ها تبدیل می‌کند، نقشی است که در شکل‌دهی شخصیت رفتاری آنان بر عهده می‌گیرد. مدرسه تنها مکانی نیست که در آن خواندن و نوشتن، حل مسئله یا دانستن تاریخ و علوم طبیعی آموخته می‌شود، بلکه فضایی است که در آن کودکان و نوجوانان برای نخستین‌بار با نظم رسمی، اقتدار نهادینه‌شده، روابط سلسله‌مراتبی، قوانین مکتوب، پاداش‌ها و تنبیه‌ها، رقابت سازمان‌یافته و انتظارات اجتماعی گسترده مواجه می‌شوند. این مواجهه، به‌ویژه در سال‌های حساس رشد، بنیانی برای شکل‌گیری الگوهای پایدار رفتاری، نگرشی و هیجانی فراهم می‌سازد؛ الگوهایی که نه‌تنها آینده فرد، بلکه کیفیت زندگی جمعی و فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

شخصیت رفتاری دانش‌آموزان، نتیجه تعامل پیچیده میان عوامل ذاتی و اکتسابی است. از یک سو، ویژگی‌های سرشتی، خلق‌وخو، استعدادهای فردی و تفاوت‌های زیستی و عصبی در شکل‌گیری رفتار نقش دارند و از سوی دیگر، تجارب زندگی در خانواده، روابط با همسالان، الگوهای فرهنگی، وضعیت اقتصادی و شیوه‌های تربیتی والدین بر آن تأثیر می‌گذارند. اما در میان همه این عوامل، مدرسه جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا نخستین نهاد رسمی است که کودک در آن، خارج از دامن خانواده، باید با «قوانین عمومی» هماهنگ شود و خود را با معیارهایی سازگار کند که صرفاً بر اساس محبت یا پیوندهای خویشاوندی شکل نگرفته‌اند، بلکه در چارچوب ساختارهای قانونی و اداری تعریف شده‌اند. در این مقام، نظام آموزشی نقش میانجی میان فرد و جامعه را بر عهده دارد و به‌گونه‌ای ناگزیر بر نوع نگاه دانش‌آموز به خود، دیگران و جهان پیرامون اثر می‌گذارد.

یکی از پرسش‌های بنیادی در حوزه تعلیم و تربیت این است که نظام آموزشی چگونه و تا چه اندازه در شکل‌گیری یا تغییر شخصیت رفتاری دانش‌آموزان دخالت دارد؟ آیا مدرسه

بیشتر نقش تثبیت‌کننده الگوهای رفتاری‌ای را دارد که قبلاً در خانواده و محیط اجتماعی شکل گرفته‌اند، یا می‌تواند با فراهم آوردن تجربه‌هایی تازه، نیروهای نهفته و قابلیت‌های بالقوه فرد را بیدار کند و مسیر رشد شخصیت او را دگرگون سازد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند نگاه هم‌زمان به دو سوی معادله است: از یک طرف، ویژگی‌های درونی دانش‌آموزان و از طرف دیگر، ساختارها، فرایندها و فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی. نظام آموزشی، صرفاً شامل برنامه‌های درسی و کتاب‌های رسمی نیست؛ بلکه هم‌زمان از «برنامه درسی پنهان» نیز تشکیل شده است؛ یعنی همه آن پیام‌ها، معانی، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری که نه در قالب متن مکتوب، بلکه در شکل روابط قدرت، سبک مدیریت مدرسه، رفتار معلمان، انتظارات نانوشته، شیوه‌های تنبیه و تشویق و حتی سازمان‌دهی فضاهای فیزیکی و زمان‌بندی فعالیت‌ها منتقل می‌شوند. دانش‌آموزان، علاوه بر آنچه معلم به‌عنوان محتوای رسمی به آن‌ها عرضه می‌کند، به‌طور مستمر در حال مشاهده، تفسیر و درونی‌سازی گونه‌ای «زبان غیررسمی» هستند که در رفتارها، نگاه‌ها، سکوت‌ها و تصمیم‌های روزمره مدرسه نهفته است. این زبان غیررسمی ممکن است گاه بیش از محتوای رسمی، بر شکل‌گیری شخصیت رفتاری اثر بگذارد؛ زیرا در سطح تجربه زیسته و عاطفی دانش‌آموز حضور می‌یابد و با احساسات او گره می‌خورد.

از سوی دیگر، شخصیت رفتاری دانش‌آموزان نیز عاملی منفعل در برابر نظام آموزشی نیست، بلکه به‌صورت فعال با ساختارها و انتظارات مدرسه تعامل می‌کند. برخی دانش‌آموزان، به دلیل برخورداری از سبک‌های شخصیتی خاص، مانند درون‌گرایی یا برون‌گرایی، گرایش به استقلال یا وابستگی، حساسیت هیجانی بالا یا پایین، می‌توانند به شیوه‌ای متفاوت به قوانین، روش‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و روابط قدرت در مدرسه پاسخ دهند. برای نمونه، دانش‌آموزی با ویژگی‌های شخصیتی خلاق، حساس و خودمختار ممکن است در نظامی که تأکید افراطی بر اطاعت، حفظیات و امتحان‌های استاندارد دارد، دچار نارضایتی، دل‌زدگی یا رفتارهای اعتراضی شود؛ درحالی‌که دانش‌آموزی با گرایش‌های ساختارپذیر و علاقه به نظم و ثبات، شاید در همین نظام احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری کند. به این معنا، تعامل نظام آموزشی با شخصیت رفتاری دانش‌آموزان نه یک‌سویه، بلکه

فرآیندی پویا و دوجانبه است که در آن ساختار، فرهنگ و روش‌ها از یک سو و ویژگی‌های شخصیتی و تجربه‌های فردی از سوی دیگر، پیوسته در حال تأثیرگذاری بر یکدیگر هستند.

در بسیاری از نظام‌های آموزشی، تمرکز اصلی بر عملکرد تحصیلی، نمره‌ها، قبولی در آزمون‌های ورودی و رتبه‌هاست. این تمرکز شدید، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت به ارتقای برخی شاخص‌های کمی منجر شود، در بلندمدت خطر نادیده گرفتن ابعاد شخصیتی و رفتاری را در پی دارد. هنگامی که ارزش دانش‌آموز عمدتاً بر اساس نمره‌های درسی، رتبه‌های آزمونی و موفقیت در رقابت‌های آموزشی تعریف می‌شود، به تدریج پیام پنهانی به او منتقل می‌شود که «بودن» او کمتر از «کارکردن» او اهمیت دارد؛ یعنی آنچه هستی انسانی او را می‌سازد — احساس ارزشمندی، هویت شخصی، عواطف، علایق و باورها — در حاشیه قرار می‌گیرد و آنچه سنجیدنی و قابل‌ارائه در کارنامه است، محور توجه نظام آموزشی خواهد شد. این رویکرد، می‌تواند به شکل‌گیری نسلی بیانجامد که در ظاهر موفق و کارآمد است، اما در سطوح عمیق‌تر، از مشکل در خودشناسی، ضعف در مهارت‌های عاطفی و اجتماعی، اضطراب عملکرد، وابستگی شدید به ارزیابی بیرونی و شکنندگی در مواجهه با شکست رنج می‌برد.

فصل اول:

مبانی نظری شخصیت و رفتار دانش آموز در محیط آموزشی

شخصیت، یکی از مرکب‌ترین مفاهیم در روان‌شناسی و علوم تربیتی است که تعریف‌های گوناگونی از آن ارائه شده است، اما به طور کلی به مجموعه‌ای پایدار از ویژگی‌ها، نگرش‌ها، الگوهای رفتاری، هیجانات و انگیزه‌ها اطلاق می‌شود که فرد را از دیگران متمایز می‌سازد و نسبتاً پایدار در طول زمان باقی می‌ماند. در محیط آموزشی، شخصیت دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی تعامل آن‌ها با محیط، روند یادگیری، پاسخ به چالش‌ها و ارتباطات اجتماعی ایفا می‌کند، بنابراین درک مبانی نظری شخصیت و رفتار، نقطه آغاز ضروری برای تحلیل مؤثر تعامل نظام آموزشی با دانش‌آموزان است. از مهم‌ترین رویکردهای نظری که برای مطالعه شخصیت به کار گرفته می‌شوند، می‌توان به تئوری‌های روانکاوی، رفتارگرایی، شناختی، انسان‌گرایی و نظریه‌های رشد اشاره نمود. در مکتب روانکاوی که با فروید آغاز شد، شخصیت به عنوان ساختاری سه‌گانه شامل نهاد (اید)، خود (ایگو) و فرامن (سوپر ایگو) شناخته می‌شود که هر کدام نقش خاصی در تنظیم تعارض‌های درونی و رفتار فرد ایفا می‌کنند. فروید معتقد بود بسیاری از رفتارهای انسان ریشه در کشمکش‌های ناخودآگاه دارد و محیط اولیه زندگی مانند خانواده و روابط اولیه تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت می‌گذارد. با این حال، در محیط مدرسه، تمرکز بیشتر بر توسعه خودآگاه و تعاملات اجتماعی است که در مدل‌های بعدی روانشناسی به آن توجه بیشتری شده است.

نظریه اریک اریکسون، یکی از برجسته‌ترین تئوری‌های رشد شخصیت است که بر مراحل روانی-اجتماعی تأکید می‌ورزد. بر اساس این نظریه، دانش‌آموزان در دوران مدرسه با مرحله «کوشش برای مهارت و درستی» مواجه‌اند که در آن نیاز دارند توانایی‌های خود را بیازمایند و احساس شایستگی و موفقیت کسب کنند. عدم توانایی در این مرحله ممکن است به احساس حقارت منجر شود که رشد شخصیت را متوقف یا مختل می‌کند. این تبیین

اهمیت حمایت محیط آموزشی، تشویق موفقیت‌های کوچک، و ایجاد فضای مثبت برای تقویت عزت‌نفس دانش‌آموزان را آشکار می‌سازد.

در مقابل رویکرد روانکاوی، رفتارگرایی به عنوان یک مکتب متمرکز بر رفتارهای قابل مشاهده و تأثیرات محیطی مطرح شده است. بصولتلا، اسکینر و واتسون با تأکید بر اصول شرطی‌سازی کلاسیک و عامل، نشان دادند رفتارهای دانش‌آموزان تحت تأثیر پاداش، تنبیه و الگوهای محیطی قابل تغییر هستند. این نگرش به ویژه در نهادهای آموزشی که سیستم‌های انضباطی و تقویت‌های مثبت را به کار می‌گیرند، کاربرد گسترده‌ای یافته است. با این حال، محدودیت این رویکرد در نادیده گرفتن فرآیندهای درونی شناختی و هیجانی دانش‌آموزان به تدریج زمینه‌ساز توسعه نظریه‌های شناختی شد. نظریه‌های شناختی، به ویژه نظریه‌های مطرح شده توسط ژان پیاژه، بر فهم فرایندهای درونی رشد شناختی و نقش آن‌ها در تحول شخصیت تأکید دارند. پیاژه مراحل رشد شناختی را به صورت سلسله‌مراتبی توصیف کرد و بیان داشت که هر دانش‌آموز در هر مرحله از رشد قابلیت‌های خاصی در تفکر، استدلال و حل مسئله دارد. این دیدگاه، نقش فعال دانش‌آموز در شکل‌گیری دانش و ساخت معانی را برجسته می‌کند و بر این باور است که محیط آموزشی باید کُنش‌محور و متناسب با نیازهای شناختی و هیجانی دانش‌آموز طراحی شود تا موجب رشد متوازن در ابعاد مختلف شخصیت شود. در کنار نظریه‌های شناختی، نظریه‌های انسان‌گرایی چون نظریه آبراهام مزلو و کارل راجرز به اهمیت ابعاد خودآگاهی، نیازهای معنوی، رشد فردی و انگیزش در شخصیت توجه نشان داده‌اند. مزلو با تبیین سلسله مراتب نیازها، بر نیازهای اساسی انسان به ویژه نیاز به تعلق، احترام، خودمختاری و خودشکوفایی تأکید می‌کند. این رویکرد در محیط آموزشی بر اهمیت ایجاد فضای امن، احترام به تفاوت‌های فردی و فراهم آوردن فرصت‌های رشد خلاقانه و بیان نیازهای روانی-اجتماعی دانش‌آموزان متمرکز است، که در نهایت موجب تقویت سلامت روانی و رفتار سازگار می‌شود. از سوی دیگر، مدل‌های ترکیبی که از جمله آن‌ها نظریه شخصیت بزرگ پنج‌عاملی (Big Five) است، از منظر عامل‌محور به شخصیت می‌نگرند و پنج بُعد اصلی شخصیت شامل برون‌گرایی، سازگاری، مسئولیت‌پذیری، ثبات هیجانی و پذیرش تجارب جدید را

مورد بررسی قرار می‌دهند. در محیط مدرسه، این عوامل متفاوت می‌توانند به روش‌های گوناگون در رفتار دانش‌آموز تبلور یابند؛ مثلاً دانش‌آموزی با برون‌گرایی بالا تمایل دارد در فعالیت‌های گروهی بیشتر مشارکت کند و تعامل اجتماعی گسترده‌ای داشته باشد، در حالی که فردی با ویژگی ثبات هیجانی پایین ممکن است بیشتر در معرض اضطراب و پراشتباهی قرار گیرد که نیازمند توجه ویژه معلمان است.

رفتار دانش‌آموزان در محیط آموزشی، علاوه بر تأثیر مستقیم شخصیت، متأثر از عوامل متعدد دیگری نیز هست که شامل زمینه‌های زیستی، محیط خانوادگی، عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی است. برای مثال، تحقیقات نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری والدین، درجه اعتماد به نفس و خودکارآمدی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تبع آن، الگوهای رفتار اجتماعی و انضباط فردی در مدرسه نیز شکل می‌گیرد. علاوه بر آن، متغیرهای فرهنگی نظیر ارزش‌ها، هنجارها و باورهای جامعه نیز در نوع پاسخگویی و سازگاری دانش‌آموزان اثرگذار است. در محیط آموزش رسمی، شخصیت و رفتار دانش‌آموزان در چارچوب یک مجموعه قوانین و ساختارهای انضباطی قرار می‌گیرد که توسط نظام آموزشی تعیین می‌شود. این ساختارها می‌توانند رفتارهای سازگار یا ناسازگار را تقویت یا مهار کنند. به عنوان مثال، وجود نظام پاداش و تشویق مناسب می‌تواند انگیزه و رفتارهای مثبت دانش‌آموزان را افزایش دهد، در حالی که تنبیه‌های شدید یا رفتارهای انضباطی نامناسب ممکن است به بروز مقاومت، پرخاشگری یا انزواگرایی منجر شود. بنابراین، تعامل میان شخصیت داخل فرد و ساختارهای بیرونی مدرسه از اهمیت اساسی برخوردار است.

نقش معلم به عنوان یک بازیگر کلیدی در محیط آموزشی نیز نباید نادیده گرفته شود. معلم با نحوه برخورد، زبان بدن، واکنش‌های عاطفی و سبک مدیریت کلاس، در برانگیختن احساسات، ایجاد انگیزه و تنظیم رفتار دانش‌آموزان موثر است. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که رابطه مثبت و حمایتگرانه معلم با دانش‌آموزان، استرس را کاهش داده و زمینه‌های رشد هیجانی و اجتماعی را فراهم می‌کند و در نتیجه رفتارهای سازگارانه

افزایش می‌یابد. برعکس، روابط سرد یا پرتنش می‌تواند منجر به افت انگیزه و بروز رفتارهای ناهنجار شود. شکل‌گیری رفتار اجتماعی دانش‌آموزان نیز تحت تأثیر تعاملات روزمره آن‌ها با گروه‌های همسال است. مدرسه مکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی، یادگیری نقش‌ها و هنجارهای رفتاری که در جامعه پذیرفته شده‌اند. فرآیندهای یادگیری اجتماعی مانند مشاهده، همانندسازی و یادگیری تجربی در این محیط فعالند و الگوهای فرهنگی غالب در مدرسه می‌توانند به تقویت یا تضعیف این مهارت‌ها بینجامند.

هوش هیجانی، به عنوان یکی از مفاهیم نوین در روان‌شناسی تربیتی، توجه بیشتری را به نقش هیجانات در یادگیری و رفتار جلب کرده است. دانش‌آموزانی که مهارت‌های شناخت و مدیریت هیجان خوبی دارند، بهتر می‌توانند با استرس‌ها و ناامیدی‌های مدرسه مقابله کنند، روابط بهتری با دیگران برقرار کنند و در مجموع رفتارهای سالم‌تری از خود نشان دهند. آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در مدارس می‌تواند به طور چشمگیری بر بهبود کلی شخصیت و رفتار دانش‌آموزان مؤثر باشد. باید توجه داشت که شخصیت و رفتار دانش‌آموزان در پاسخ به تغییرات بزرگ اجتماعی، فناوری‌های نوین، تحولات فرهنگی و جهانی شدن نیز در حال دگرگونی است و نظام‌های آموزشی باید به این تحولات به‌روز پاسخ دهند. برای نمونه، ورود فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی به زندگی روزمره دانش‌آموزان، شکل‌های جدیدی از تعامل و حتی چالش‌های رفتاری به وجود آورده است که نیازمند بازنگری در روش‌های تدریس، تعالیم اخلاقی و مدیریت کلاس است.

مبانی نظری شخصیت و رفتار دانش‌آموز در محیط آموزشی، مجموعه‌ای پیچیده و پیوسته از عوامل و ساختارهای درونی و بیرونی است که تعامل آن‌ها کلید فهم کامل این پدیده است. شناخت این مبانی، مسیر تحلیل علمی و پیشنهاد راهکارهای مؤثر برای بهبود نظام آموزشی و فضای مدارس را هموار می‌سازد. این فصل تلاش می‌کند با مرور نظریه‌های اصلی و پژوهش‌های معتبر، زمینه‌ساز فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تر موضوع تعامل نظام آموزشی با شخصیت رفتاری دانش‌آموزان باشد.

مفهوم شخصیت در روان‌شناسی تربیتی و ابعاد آن در دانش‌آموزان

شخصیت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در روان‌شناسی تربیتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، زیرا رفتار، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان به شدت تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها قرار دارد. روان‌شناسی تربیتی به دنبال فهم این است که چگونه شخصیت دانش‌آموزان شکل می‌گیرد، چگونه در تعامل با محیط آموزشی به ظهور می‌رسد و چگونه می‌توان فرآیند یادگیری را با توجه به ابعاد مختلف شخصیت بهینه‌سازی کرد. از این رو، مفهوم شخصیت به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، الگوهای روانی و مقوم‌های رفتاری تعریف می‌شود که در طول زمان نسبتاً پایدار بوده و رفتار فرد را در موقعیت‌های مختلف هدایت می‌کند. در روان‌شناسی تربیتی، شخصیت به مثابه آرایشی پیچیده از ویژگی‌های هیجانی، رفتاری، شناختی و انگیزشی دانش‌آموز در نظر گرفته می‌شود که به صورت منسجم رفتار او را شکل داده و در ارتباط با عوامل محیطی، به خصوص نظام آموزشی، متحول می‌گردد. این ویژگی‌ها نه تنها رفتارهای آشکار بلکه نگرش‌های درونی، باورها، ارزش‌ها و سبک‌های مقابله‌ای را شامل می‌شوند که بر تعاملات دانش‌آموز با فضای مدرسه، معلمان و همسالان تأثیرگذار است. این ابعاد متعدد، نشان‌دهنده اهمیت نگاه جامع و یکپارچه به شخصیت است.

یکی از وجوه کلیدی شخصیت در روان‌شناسی تربیتی، ثبات نسبی آن است. اگرچه رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف ممکن است تغییر کند، اما ویژگی‌های شخصیتی بنیادین به عنوان الگوهای قابل پیش‌بینی باقی می‌مانند که به مربیان، معلمان و پژوهشگران قابلیت تحلیل و تبیین رفتارهای دانش‌آموزان را می‌دهد. علاوه بر این، شخصیت از نظر روان‌شناسی تربیتی یک فرایند در حال رشد و تحول است که تحت تأثیر عوامل متعدد ژنتیکی، زیستی، خانوادگی و محیطی به طور مستمر تغییر می‌کند و به همین دلیل، آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی در جهت‌دهی و تعالی آن دارد. یکی دیگر از ابعاد مهم شخصیت در محیط آموزشی، ویژگی‌های هیجانی است. دانش‌آموزانی که از لحاظ هیجانی ثبات و تعادل دارند، قادرند به صورت مثبت با استرس‌های مرتبط با امتحانات، رقابت‌های